از مصحف تلاوه میفرمود چون سبب پرسیدند فرمود که نظر کردن در خط مصحف مبارکست و در بعضی رسایل خواجه پارسا قدس سره مذکور است که در حدیث وارد شده
افضل عبادة امتی القران نظراً و نکته درین آنست که چون در خط مصحف نظر کنند توجه بتلاوت تمامتر باشد و دیگر همچنین زبان و گوش بهره خود از زبان
و شنیدن بر داشته چشم نیز حظ خود از مشاهده خط و نقش حروف و صورت کلمات بردارد و در روایت آمده که هرکه پیوسته در خط مصحف نظر کند تا زنده
بود نور دیده او زیان نپذیرد امروز بنقشی که دلالت بر کلام او دارد نظر میکنی تا فردا متکلم را ببینی در مضیق دنیا بی فی کلام او میخوانی تا در ساحت بهشت بی
سلام او بشنوی سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ بیت روزی که ز تو سلام باشد ما را آن روز فلک غلام باشد ما را هشتم بکا و آن از زینت قرآن
گرفته اند بدانکه در وقت تلاوه گریه کردن مستحب است و در احیای علوم آورده که حضرت رسالت پناه صلعم فرموده قرآن بخوانید و گریه کنید و اگر نتوانید خود را
بتکلیف بگریه دارید طریق تکلف بکا برای که تا سوز دل پدید آید که منشاء آب چشم سوز دل است شیخ صالح امری رحمة الله علیه حضرت رسالت را در واقعه
و قرآن بر ایشان خواند حضرت فرمود یا صالح هَذِهِ الْقِرَاءَةُ فَأَيْنَ الْبُكَاءُ این خود کار زبان بود آب دیده و سوز سینه کو المثنوی المعنوی زابر گریان
باغ سبز و تر شود ز آنکه شمع از گریه روشنتر شود تا نگرید ابر کی خندد چمن تا نگرید طفل کی جوشد لبن مایه در بازار دنیا این زر است
مایه عقبی همین چشم تر است نهم قراءت و تزیین آن چنانچه در حدیث آمده که زَيِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ و حضرت رسول صلعم در وقت استماع قراءت
ابو موسی اشعری فرموده که لَقَدْ أُوتِيَ هَذَا مِزْمَارًا مِنْ مَزَامِيرِ آلِ دَاوُدَ یعنی که این کس از نغمات آل داود وی عطا کرده اند چون این خبر باو
گفت اگر دانستمی که آنحضرت میشنود هر آینه از آن بیشتر زینت دادمی مقرر است که تزیین آن موجب خاطر نشان مستمع میگردد و مواد شوق و ذوق
روی باز دیاد می نهد و مقصود از تلاوت و سماع آن حصول ذوق است کیف کان از سخنان حضرت مولوی بیت ذوق است کاندر نیک و بد
هر شخص را قوت دهد گر ذوق نبود یار جان جان را که باکین بود و در وصایای خواجه قدس سره مذکور است که حرمت قرآن در ان باشد که بخستین
و تلحین یعنی بالحان و غنا نخوانند و از ترجیعات ترسایان و نوحهای رهبانان در تلاوت انجیل اند احتراز نمایند و تلحین بر وجهی که مقصور
ممدود گردد و مظهر مدغم شود و بالعکس هیچ وجه جایز نیست دهم سخن ناگفتن در اثنای قراءت و اشارت ناکردن و متوجه بغیر ناشدن و مستمع را
نیز فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا خاموش باید بود و کلام حق تعالی و تقدس بسمع قبول گوش هوش استماع باید نمود که شنیدن حقیقی بجان
و دلست نه بآب و گل مردی میکند بیت گوش را اسرار جانان از ابهوش دار روی بدو بکش از راه گوش گر بنودی گوشهای عیب گیر وحی
نا و دی ز گردون یک بشیر اما آداب باطنی و اول رعایت امر و نهی چه تا قاری او امر قرآن را ماموره نشود و از نواهی آن بکلی در نگذرد
نور فیض قرآن از روزنه سینه او بخانه دل در نتابد و در لطایف تقریر آورده که دعوه فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ که از قرآن میخوانی و در کسب غفلت
در میدان هوا و هوس میرانی گنه وَاشْكُرُوا لِي سجود تمام ادا میسازی و بقدم عصیان بادیه کفران طغیان می پیمایی وَلَا تَأْكُلُوا الرِّبَا و
سکنی را بکال حساب درهم میکنی پس وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا میگویی در آن محل خیال عشق می بازی أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ بر زبان میرانی
بدل آزار برادر مسلمان می اندیشی لا جرم از بارگاه رسالت توقع خذلان و ضلال از تو صادر میشود که رب تال القرآن و القرآن یلعنه دوم
تامل فرمودن در عظمت کلام الهی جل شانه و ملاحظه نمودن الطاف بی پایان خداوند تعالی و تقدس با بندگان در نزول قرآن از عرش
عزت و جلال بر غره افهام جمعی بر ایشان عنایت ربانی که معنی چنان کلامی که صفت قدیمت و قایم بذات رب العرش العظیم در طی حروف

داصوات

و اصوات که از صفات بشریه است بر مدارک خلق متجلی ساخته و اگر نه کنه جمال کمال قرآن بکسوه حروف مستتر شدی هوش کرسی وقت ظهور کلام از تجلی
ثبات و دوام ... شده مضمحل متلاشی گشتی لهذا بعضی از عارفان گفته اند که هر حرفی از کلام الله در لوح محفوظ از کوه قاف بزرگتر ست و هر ملک
اگر مجتمع شوند ایشان را طاقت برداشتن حرفی نباشد مگر اسرافیل علیه السلام که ملک اللوح است و اگر نه بعون عنایت ایزدی برسیدار و بطاقت
و قوه خود حضرت خواجه در تفسیر فاتحه آورده که هر حرفی از قرآن بمثابه کومیتی که بر وجود بشریه واقع میشود و از آفات میگرداند و آثار انوار
و نفع سکینه و نور قرآن با نور دل مومن جمع شود و نورانیت او زیاده پذیرفته بیشتر مستغنی میگردد بیت نور چون همنشین نور شود تیرگی از میان
دور شود سیم عظمت متکلم را در دل خود حاضر گردانیده و دانستن که این کلام بشر نیست سخن خالق بشر است یکی از صلحا هر گاه مصحف گشادی
بیهوش شدی در قرآن بیهوشی از وی این صادر شدی هو کلام ربی تعظیم کلام نشانه تعظیم متکلمست چهارم حضور قلب ترک حدیث
نفس و نفی خواطر و چون صاحب همتان روی دل از وسواس نفسانی و هواجس شیطانی بر تافتن و از تو پوشیده جمال قرآن صفای تمام
و ضیای بر دوام یافتن بعضی از سلف چون آیتی یا سورتی خواندندی و دل حاضر نبودی اعاده کردندی چه قراءة زبان بی حضور دل قابلیت
بیچان بیت ما زبان را ننگریم و قال را ما درون را بنگریم و حال را پنجم تدبر و تفکر نمودن در معانی قرآن چه نزد محققان قراءت
بی تدبر اعتباری ندارد و چنانچه در صورت کتاب مذکور شد تدبر در لغت نظر کردنست در ادبار امور یعنی در عواقب آن و اندیشه
فرمودن در آنکه مآل خواتیم کار ها چه خواهد بودن در کشاف آورده که معنی تدبر قرآن و تفکر و تامل است در آن و فهم که تفکر و تامل شامل
آنچه مقتضای الفاظ قرآنست از تاویلات مصحف معانی حسنه چه هر که بظاهر متلو قانع گردد منفعت او چندانی نباشد امام ابو اللیث
رحمه الله فرموده که تدبر تفکر است در مواعظ قرآنی تا بدان عبرت گیرند امام قشیری رحمه الله گوید تدبر غواصی کردنست بمدد فکر در بحر قرآنی
و بیرون آوردن جواهر حقایق قرآنی و معانی آن مصرع غواصی کن گرت گهر می باید در حقایق سلمی آورده که سری سقطی قدس سره فرموده که
با فهم ترین مردمان آنست که اسرار قرآن فهم کند و تدبر نماید تا وقتی که متیقن گردد که این کلام ملک علام است و حقیقت تدبر آنست
که تا فکر از هر آیتی و سورتی فراخور استعداد خود بهره بر ندارد و با آیتی یا سورتی دیگر نقل نکند و از بعضی اکابر مرویست که در قراءت سوره هود
ششماه مانده بود و از تدبر در معانی آن سوره بقراءت سوره دیگر نمی پرداخت اگر کسی در هیچ رتبه رسد و از فهم معانی قرآن محروم
نباشد باید که بدل اندیشد که این کلام حقست و در وقت قراءت سخن حق بغیر حق مشغول نشود یکی از عظما این فرموده که اگر کسی معنی قرآن
نداند باید که در وقت خواندن دل حاضر دارد و نگذارد که حدیث النفس و الشیطان او را بر جای کشد دل بنور تعظیم و توقیر او پیوسته دارد
و عظمت قرآن بدین وجه در دل حاضر دارد که این سخن خداوند ذات عز و جل صفت قدیم وی اگر حقیقت معانی این حروف آشکار
شود هفت آسمان و هفت زمین طاقت تجلی آن ندارد ع چه آسمان زمین بلکه عرش و کرسی هم و در رساله قدسیه آورده که امام
احمد فرموده که در خواب بودم برابا حضرت خداوند مکالمه دست داد گفتم یا رب تقرب بحضرت تو بچه چیز فاضلتر گفت کلام من گفتم اگر
فهم کنند یا نکنند فرمود اگر کنند بزرگی فرموده است که اگر کسی را روی بجهة معالجه خود البته در بدن او اثر خواهد کرد و خاصیت اظهار خواهد
و همچنین قرآن نیز شربت شفائی دلهاست اگر کسی از وجوه حیثیت آن نشناسد که صحت همین بس که داند از شربتخانه کیست هر آینه انعقاد می یابد

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)